

۲۰۷۲۶۴۵

شوگ

شاعر و مترجم : ایما شهبان

دکتر تخصصی زبان شناسی

کارشناس ارشد زبان انگلیسی

www.ketab.ir

سرشناسه	: شه‌ایان، ایما، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: شوک = shock / شاعر و مترجم ایما شه‌ایان.
مشخصات نشر	: کرج: پاپریک، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۰ ص: ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک	: 978-600-6684-33-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: انگلیسی- فارسی.
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- ترجمه شده به انگلیسی
موضوع	: Persian poetry -- 20th century -- Translations into English
نوع	: شعر انگلیسی -- قرن ۲۱.م. -- ترجمه شده از فارسی
موضوع	: English poetry -- 21st century -- Translations from Persian
رده بندی کلاسک	: PIR۳۴۹
رده ی دیویی	: ۸ فا ۱/۶۲
شمار کتابشناس ملی	: ۵۹۴۱۱۱۷

📖 عنوان کتاب: شوک (shock)

که پدیدآورنده مترجم ایما شه‌ایان

⊗ صفحه آرای: اکرم پهلوان

⊗ ناشر: انتشارات پاپریک

⊗ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

⊗ نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

⊗ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۴-۳۳-۸

⊗ قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان



مرکز پخش:

تهران- میدان انقلاب- ابتدای خیابان آزادی- روبرو سینما مرکزی

بازار بزرگ انقلاب- طبقه زیر همکف- پلاک ۹

مقدمه‌ی شاعر

نفسم گرفت از این شهر، در این حصار بشکن

در این حصار جادویی، روزگار بشکن

استاد محمد رضا شفیعی کدکنی

سپاس آنکه مرا فرصت دوباره ای داد تا دگر باره سخن بگویم. این بار از بجوارهای آدم‌های اجتماع امروز از پدیده‌هایی شوم و دردناک هستم. این فقر، خیانت، حسادت، مهاجرت و خودکشی خصوصاً زنان، تبعیض و نفس حقیر آنان در محیط‌های آموزشی و عشق‌های مجازی و دروغین و بی‌سراجام، معضلاتی گاه تعمداً ساخته پیش رویمان، که روحمان را می‌آزارد و ما را به غلیان و فریاد و اعتراض می‌کشاند، و گاهی به کارزار و محنه‌ی جنگی تحمیلی و تهاجمی، آن هم از نوع تمام عیارش. و البته ما را می‌دارد تا:

چو شقایق از دل سنگ، برآر، رایت خون

به جنون، صلابت صخره‌ی توهش‌ر بشکن

تو که ترجمان عشقی به ترنم و ترانه

لب زخم دیده بگشا، صف انتظار بشکن

در مجموعه ی حاضر، سعی بر آن داشته ام تا پس از پرداختن به پدیده های مذکور، از حال و هوای روحی این روزهایمان بگویم. حالت هایی که داریم و کاش نداشتیم و یا حتی می توانیم نداشته باشیم. اشعار گریه ، قهر، دقایق بی شقایق و پایان راه مودی از این فضا هستند.

در ادامه ایتمناها و آرزوها گفته ام. از دل خواسته ها و رویاها. و امید به بازگشت به گم شده ها که ، شعرهایی چون ، قسمت، کاش و تمنا با صدایی رسا آنها را بازگه نموده اند.

اما، گاهی خویشتن خویش تنهائی و یاریگری ندیده ایم، آنجا که تنها دستگیر و منجی مان فقط نیاز و تلاش بی وقفه ی ما در عرصه های نابرابر است. و باز به قول استاد:

ز برون کسی نیاید چو به یاری تو، اینجا

تو ز خویشتن برون آ، به سحر بشکن

سر آن ندارد امشب که بر آید آفتابی

تو خود آفتاب خود باش و طلسم کار بشکن

و چنین است که ، راز و نیازهای موزون و آهنگینی چون : تقرب، سخنی با خدا و حریم امن در این مقوله می گنجند.